دریچه

تعطیلی عمده مراکز «آب‌چرخانی» در تهران

● **ایسنا:** عضو شورای شهر تهران از لزوم توجه به آب‌چرخانی آب در این وضعیت کم‌آبی شهر تهران خبر داد. احمد مسجدجامعی، با اشاره به اینکه این روزها بحث «آب» در تهران بسیار جدی است، گفت: درحال‌حاضر دامنه‌های شمالی و جنوبی البرز کل آب خود را به تهران می‌دهند، اما باز هم عطش تهران برطرف نشده است. او با بیان اینکه درحال‌حاضر آب سدهای لار، لتیان، کرج، ماملو، طالقان و... به تهران می‌آید و این در حالی است که هزاران چاه عمیق مجاز و غیرمجاز آب تهران را تأمین می‌کنند، خاطرنشان کرد: بااین‌حال عجیب است که با وجود این همه آب، عطش تهران برطرف نشده است.

او با اشاره به اینکه شرکت «آبفا» نیز اعلام کرده است حداقل ۱۰ درصد از آب شرب به دلیل فرسودگی لوله‌کشی آب دچار هدررفت می‌شود، گفت: می‌توان با استفاده از تکنولوژی‌های جدید مانع از هدررفت آب در شبکه لوله‌کشی شد و هدررفت را به حداقل رساند. مسجدجامعی با بیان اینکه در تهران به تجربیات توجهی نمی‌شود، اظهار کرد: مثلا ما ظرفیتی به نام «آب‌چرخانی» داریم که حدود ۲۰۰ واحد و مرکز در تهران وجود دارند که آب‌چرخانی را انجام می‌دهند، اما می‌بینیم عمده این مراکز تعطیل هستند؛ چراکه هزینه‌بر بوده یا تکنسین ندارند. این در حالی است که ما فکر می‌کردیم در شهرک اکباتان سیستم آب‌چرخانی وجود دارد که با جدیت آب را تصفیه کرده و نسبت به آبیاری فضای سبز اقدام می‌شود، اما متأسفانه شاهد بودیم که این آب بازچرخانی می‌شود، اما در نهر فیروزآباد رها شده و این آب بازچرخانی‌شده به هدر می‌رود.

معلولیت شدید، علت ۱۲۴۸ «سقط جنین»

● **ایسنا:** معاون توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور از انجام هزارو ۲۴۸ سقط جنین ناشی از معلولیت شدید در سال ۹۶ خبر داد. فاطمه عباسی، با اشاره به اقدامات سازمان بهزیستی در پیشگیری از معلول‌زایی گفت: هزینه نگهداری هر معلول به شکل ماهانه دو میلیون تومان است که این رقم در یک سال برای دولت نزدیک به ۲۴ میلیون تومان هزینه دربر دارد. او با بیان اینکه میانگین عمر هر معلول شدید نزدیک به ۱۷ سال است، اظهار کرد: به‌این‌ترتیب، با تولد هر کودک معلول، هزینه زیادی به دولت وارد می‌شود. این درحالی است که با انجام غربالگری ژنتیک و با هزینه بسیار کمتر می‌توان از تولد کودکان معلول پیشگیری کرد. معاون توسعه پیشگیری سازمان بهزیستی کشور در ادامه تأکید کرد: صرف‌نظر از هزینه مالی که به دنبال تولد هر کودک معلول به جامعه وارد می‌شود، نباید آسیب‌های عاطفی و اجتماعی واردشده به خانواده این کودک و به‌ویژه مادر کودک را فراموش کرد. عباسی با بیان اینکه در سال گذشته هزار و ۲۴۸ سقط جنین ناشی از معلولیت شدید انجام شده است، گفت: هر فردی که به مراکز مشاوره ژنتیک سازمان بهزیستی مراجعه کرده است، پس از انجام مشاوره حین بارداری و انجام آزمایش، در صورت شناسایی مشکل، برای سقط جنین ارجاع داده شده است. این افراد بعد از انجام آزمایش‌ها، تشخیص پزشک و تأیید پزشکی قانونی برای سقط جنین به پزشک مربوطه مراجعه کرده‌اند. او در ادامه اظهار کرد: درصورتی‌که این افراد نیاز مالی داشته باشند، از سوی سازمان بهزیستی برای دریافت خدمات بهداشتی و درمانی حمایت شده و از کمک‌هزینه‌های درمانی بهره‌مند می‌شوند.

ارائه خدمات پرستاری در منزل به دست افراد غیرمجاز

● **ایرنا:** رئیس کل سازمان نظام پرستاری گفت: هزارو ۲۰۰ تا هزارو ۷۰۰ مرکز خدمات پرستاری در منزل مجوز گرفته‌اند که ۸۰ درصد خدمات این مراکز از سوی غیرپرستارها ارائه می‌شود. پرستارنماها دست از ارائه خدمات سلامت بردارند تا مردم طعم واقعی خدمات پرستاری را بچشند. اصغر دالوندی در پاسخ به پرسشی درباره خدمات مراقبت در منزل نیز اظهار کرد: اگر این خدمات با حمایت و کمک بیمه‌ها همراه شود، بدون شک بخش زیادی از هزینه‌های سلامت کاهش پیدا می‌کند. درحال‌حاضر حدود هزارو ۲۰۰ تا هزارو ۷۰۰ مرکز مراقبت در منزل در کشور ثبت شده است. اسامی این مراکز روی سایت سازمان نظام پرستاری وجود دارد، اما مشخص نیست کدام‌یک از این مراکز درحال‌حاضر فعال هستند. دالوندی درباره تعرفه‌های خدمات مراقبت در منزل نیز بیان کرد: درحال‌حاضر چیزی به نام تعرفه در این زمینه وجود ندارد و فعلا به صورت علی‌الحساب در مراکز مراقبت در منزل دریافت می‌شود. انتقاد ما این است که مراکز فعلی، مراکز مراقبت در منزل نیستند. ۸۰ درصد این مراکز توسط افرادی به جز پرستاران حرفه‌ای اداره می‌شود. درباره این موضوع تعرفه اولیه‌ای مصوب شده تا فقط این کار شروع شود. باید توجه کرد که این تعرفه‌ها مبتنی بر واقعیت نیست. رئیس کل سازمان نظام پرستاری گفت: باید پرستارنماها از ارائه خدمات سلامت دست بردارند تا مردم طعم واقعی خدمات پرستاری را بچشند. درحال‌حاضر نظارت بر این مراکز برعهده وزارت بهداشت است.

مقصود فراستخواه پیامدهای اجتماعی اعتراضات اخیر در ایران را بررسی می‌کند:

نشانه‌های اجتماعی را جدی نمی‌گیرند

شهرزاد همتی: روزگذشته اولین تحلیل جامعه‌شناختی درباره اعتراضات اخیر در ایران و تأثیرات آن بر جامعه و جوانان در گفت‌وگو با سعید مدنی در صفحه جامعه روزنامه «شرق» منتشر شد. دومین جامعه‌شناسی که به سؤالات روزنامه «شرق» دراین‌باره پاسخ می‌دهد دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است. فراستخواه در این گفت‌وگو تأکید می‌کند جای خالی جامعه مدنی و همچنین درک‌نکردن نشانه‌های موجود در جامعه می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری به هسته جامعه ایرانی در آینده بزند. شرح این گفت‌وگو را در ادامه خواهید خواند.

عکس: مهدی حسنی

بازیگران اصلی اعتراضات اخیر چه کسانی هستند؟ می‌شود اعتراضات اخیر از دی ماه تا کنون را به جوانان منتسب کرد؟

در ابتدا باید بگویم، مخاطب مسئول این اتفاقات فقط دولت و قوه‌مجریه نیست، بلکه کل حکومت باید این اعتراضات را به خود بگیرد. کل سیستم اجتماعی ما و بزرگ‌ترهای جامعه باید این اعتراضات را به خود بگیرند و نباید آن را به گردن بخش اجرائی بیندازند؛ هرچند آنها هم به نوبه خود مخاطب مسئول این اعتراضات محسوب می‌شوند. البته باید این نکته را در نظر داشت که این اعتراضات صدای همه مردم جامعه ایران نیست؛ حتی صدای مخالفان و منتقدان اجتماعی نیست ولی به‌هرحال صدایی مهم است و حق شنیده‌شدن دارد و باید شنیده شود. درهرصورت به نظر می‌رسد، مسئله عمده‌ای که باعث اتفاقات اخیر در جامعه شده است، به شکست نشانده‌شدن دیپلماسی در کشور است؛ یعنی متأسفانه اراده‌ای معطوف به شکست دیپلماسی در کشور وجود دارد و این به اعتراضات و این ژانر از اعتراضات دامن زده است. باید توجه داشت که این اعتراضات، وقفه‌ای است و به اشکال مختلف خودش را نشان می‌دهد و در هر مقطع به شکلی بروز می‌کند. مسئله مهم این است که ما از اجماع نخبگان هم برای حل این مشکلات استفاده نکرده‌ایم. خود مجموعه حکومت در این چهار دهه، نخبگانی پرورش داده است و به نظر می‌رسد آنها باید به اجماعی برسند.

در واقع همه نوع دیدگاهی در این چهار دهه در میان نخبگان پرورش‌یافته حضور داشته است که باید در نظر گرفت آنها به شیوه‌های اداره کشور و شیوه‌های اداره جمعیت این سرزمین انتقاد دارند. درحال‌حاضر انتقاداتی بسیار جدی در داخل نخبگان حکومت وجود دارد؛ اما از آنجایی که خبری از آشتی نیست، نمی‌شود حداقل تفاهمی بین نخبگان صورت بگیرد تا مشخص شود چه تعارضاتی در شهرها وجود دارد، چه نابرابری‌هایی وجود دارد تا بتوان بر اساس آن فقر گروه‌های اجتماعی را بررسی کرد. به نظر می‌رسد که نکته شما درباره حضور جوانان در این اعتراضات درست است. واقعیت این است این گره‌ها و تعارف‌ها باعث شده تا تغییرات نسلی در ایران اصلا به رسمیت شناخته نشود. ما درباره نسلی صحبت می‌کنیم که هیچ خاطره‌ای از انقلاب ایران ندارند و افق‌های دیگر و سبک دیگری از زندگی را دنبال می‌کنند و طبیعی است که معترض‌تر و ناراحت‌تر هستند. خاطرات و تجربه زیسته این نسل غیر از تجربه زیسته‌های ما بزرگ‌ترهاست؛ آنها نسل متفاوتی هستند که در مجموع حاکمیت قدرت را در دست دارند و ما بزرگ‌ترهای رسمی خودمان را سوژه اصلی کرده‌ایم، درحالی‌که جوان‌ها حالا می‌گویند ما می‌خواهیم سوژه و ابژه باشیم و دیدگاه‌هایی برای زندگی‌کردن داریم. از طرف دیگر تغییرات زیادی در جامعه هم اتفاق افتاده و سطح فرهنگی و تحصیلات بالا رفته است.

به نظر شما این تغییرات نسلی و خواسته‌های این قشر از جامعه چقدر موردنظر مسئولان است؟

جامعه ما درحال‌حاضر متشکل از اقشار تحصیل‌کرده در رشته‌های مختلف است و همین‌طور تغییر نسلی به شدت چشمگیر است. ما درباره نسلی صحبت می‌کنیم که با دنیا ارتباط و اطلاعات به‌روز دارند و به هر طریقی با وجود محدودیت‌های فراوان با دنیا ارتباط برقرار می‌کنند و با مسائل مختلف آشنایی دارند. ما درباره گروه‌های جدید اجتماعی صحبت می‌کنیم و زنان که در عرصه اجتماع فعال هستند. این افراد زیست جهانی را برای جامعه تشکیل داده‌اند، این ایرانی‌ها یک اجتماع جدید برای خود و رشته‌ها و گروه‌های جدید اجتماعی تشکیل داده‌اند. درحالی‌که ساختارهای ما واقعا در بسیاری از بخش‌ها متناسب با تغییرات اجتماعی جامعه ما نیستند. ساختارهای رسمی ما اصلا توانایی شناسایی این تغییرات را ندارند و برخی تصمیماتی که برای این جامعه گرفته می‌شود، معنادار و قابل‌قبول برای این جامعه جدید نیست.

این نسل نمی‌توانند کار مناسب پیدا کنند، زبان رسمی زندگی خود را پیدا کنند، به سبک موردنظرشان زندگی کنند، نمی‌توانند از زندگی احساس رضایت داشته باشند و همه اینها بسیار بسیار حائز اهمیت است. ما نشانه‌شناسی نداریم؛ درواقع حکمرانان نشانه‌ها را جدی نمی‌گیرند. اگر به آه دردمندان بی‌تفاوت باشیم، قطعا پاسخش را خواهیم گرفت. ما باید متوجه باشیم که این جامعه نشانه‌هایی دارد، مشاهدات خود را بررسی کنیم و ببینیم پرخاش و عصبانیت و واکنش‌های لحظه‌ای چقدر در جامعه ما زیاد شده است.

شما وضعیت جامعه را پس از اعتراضات دی‌ماه چطور می‌بینید؟

پیمایش‌های انجام‌شده در کشور نشان داده که مشکلاتی در شهر وجود دارد. شوخی‌های جمعی و پیامک‌های طنزی که ردوبدل می‌شود، نشانه‌های مشهودی است؛ نشان می‌دهد که در شهر خبرهایی وجود دارد که ما انکارش می‌کنیم، انگار ما درگیر تعارفات و گره‌های فروبسته‌ای هستیم که در سبک زندگی و دیدگاه نسبت به قشر محروم جامعه وجود دارد. وقتی این نشانه‌ها دیده نمی‌شود، به‌تدریج کار به پرخاشگری‌های غیرمستقیم می‌رسد که ما آنها را نمی‌بینیم و جدی نمی‌گیریم و پشت گوش می‌اندازیم و بعد نوبت به اعتراضات مستقیم می‌رسد. یک بار در دی ماه تجربه و به آن امنیتی نگاه می‌کنیم و باز هم جدی نمی‌گیریم. در واقع ما عمیق نشانه‌ها را مورد بررسی قرار نمی‌دهیم و از طریق نشانه‌ها مشکلات را نمی‌توانیم بفهمیم و در نتیجه فرصت‌سوزی می‌کنیم و دوباره این زخم از جای دیگری سر باز می‌کند. زخم‌های اجتماعی خودش را نشان می‌دهد.

آیا می‌شود به صورت مشخص تخمین زد که حضور زنان و جوانان در اعتراضات اخیر چگونه بوده است؟

من تصور می‌کنم نمی‌شود در یک اعتراض مشخص تعداد را تخمین زد یا حضور زنان و مردان را در آن تشخیص داد. به نظر می‌رسد اینها جزئیات قضیه است؛ مسئله اینجاست که این جامعه به صورت مرتب به ما نشانه‌هایی می‌دهد و ما آن را نمی‌شناسیم و وقت‌شناس هم نیستیم و اگر واقعا سر وقت اقداماتی در اداره کشور صورت نگیرد، ممکن است دیر شود. ما نیازمند خانه‌تکانی اساسی الگوی اداره جمعیت هستیم. این جمعیت نیازمند یک نگاه فنی است، نگاه علمی به گزاره جمعیت را نباید فراموش کرد. عمل حکمرانی یک عمل فنی است و برای این نگاه درمانی جز فنی‌نگریستن نیست. این جامعه می‌خواهد زندگی کند و باید اجازه دهیم جامعه به صورت طبیعی به زندگی بپردازد و حکمرانی به‌عنوان یک عمل فنی این جمعیت را اداره کند. اما متأسفانه این اتفاق نمی‌افتد، ساخت‌وساز اعمال مدیریت در ایران و الگوی حکمرانی دچار مشکل است. بخشی از مسئله را بر گردن قوه مجریه می‌اندازد و قوه مجریه تقصیرها را بر گردن نهادهای دیگر می‌اندازد این در حالی است که مسئله اصلا این نیست؛ مسئله مناسبات با زندگی و زیست جهان جامعه است. اگر شما دختران و زنان ما را ببینید، نشانه‌های بسیاری از اعتراضات آنها را در این چهار دهه می‌بینید، آنها حرف‌های زیادی برای گفتن دارند.

در سبک زندگی‌شان انواع نارضایتی‌های خود را نشان داده‌اند و الان هم نشان می‌دهند. منتها زنان اساسا نماد مهربانی هستند و به‌طورکلی حتی پیام‌های خود را سعی می‌کنند از طرق مهربانانه منعکس کنند ولی درعین‌حال حرف‌های ناشنیده فراوانی برای حکمرانان دارند که شنیده نشده است ولی شما می‌بینید پشت مردانی که به صورت مستقیم اعتراض می‌کنند، مادران، خواهران و همسران آنها نیز ایستاده‌اند. به‌هرحال این صداها را باید جدی بگیریم و لازمه‌اش این است که باید مناسبات در جامعه تغییر کند، به مسائل نباید زود نگاه امنیتی داشته باشیم. اگر جامعه مدنی وجود داشته باشد، ما چنین مشکلاتی نخواهیم داشت. اگر اجتماع در جامعه ما زنده شود و برای محله فرصتی وجود داشته باشد که برای مشکلات شهری گرد هم جمع شوند و درباره سبک زندگی‌شان فکر کنند، نیازی به این اعتراض‌ها نخواهد بود و حالا این اعتراضات نشان می‌دهد که ما جامعه مدنی را ضعیف کرده‌ایم.

جامعه مدنی فضای آرامی دارد که به شکل مسالمت‌آمیز و در کرسی عمومی و در مجامع عمومی تمام مسائل را منعکس می‌کند و به شکل عقلانی درباره‌اش گفت‌وگو می‌کند. وقتی جامعه هوشمند می‌شود، تمامی دردها زود شنیده می‌شود و جامعه مدنی می‌تواند به حکومت کمک کند که مسائل را حل کند و فشار روانی به حکومت وارد می‌کند که مسائل را حل کند. اما متأسفانه این جامعه مدنی به‌عنوان یک فضای مبدل درد اجتماعی به برنامه منظم و انتقال درد به سیستم اجرائی کشور برای تبدیل‌شدن به قانون و اعمال نظر سریع درباره مشکلات و جلوگیری از فساد وجود ندارد و در چنین شرایطی اعتماد به نهادهای مسئول از بین می‌رود و وقتی اعتماد به نهادهای مسئول در دهه‌های گذشته بارها کاهش پیدا کرده، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی که بخشی از آن اعتماد به قوانین و نهادهای حکومتی است، از بین رفته است و وقتی این اعتماد لطمه می‌خورد، طبیعی است که جامعه مدنی را تضعیف کرده‌ایم و نگذاشته‌ایم مستقیم و غیرمستقیم در اجتماع شکل بگیرد و افکار عمومی عقلانی به صورت منظم و اثربخش به حکومت کمک کند تا بهتر حکمرانی و درد را منتقل کند تا حکومت به راه‌حل اصولی برسد، وقتی این اتفاقات نمی‌افتد، این زخم‌ها می‌ماند و گاهی به اعتراض بدل خواهد شد.

فکر می‌کنید اصلا راه‌حلی برای جلوگیری از تضعیف جامعه مدنی وجود دارد؟

من فکر می‌کنم همه این مسائل از نظر علمی راه‌حل دارند و تخصص‌های خیلی عجیب هم نمی‌خواهد. در رشته‌های درسی و رشته‌های علوم انسانی دو واحد درس اگر درست خوانده شود، راه‌حل‌های بسیار درستی پیدا می‌شود. اما چرا توجه نشده؟ این نشان می‌دهد حکمرانان نه به جامعه مدنی توجه می‌کنند، نه به جامعه دانشگاهی گوش می‌دهند و نه به مخالفان قانونمندی که به شکل قانونی دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. من فکر می‌کنم ما خیلی به زندگی مردم بی‌اعتنا شده‌ایم و زیست جهان زندگی را نمی‌بینیم. در جهان زندگی ما دردها انباشته شده، سوگواری و دردهای عمیقی در جامعه ما وجود دارد و جوان‌ها انواع مشکلات را برای سبک زندگی‌شان دارند و در واقع رضایت‌مندی در کشور ما کار دشواری شده و باید فکری به حال آن کرد.

ادامه از صفحه ۱۲

اضطراب اطلاعات، اضطراب انسان

اخبار مختلف را از مسیرهای گوناگون دریافت کرده و بلافاصله و اغلب بدون فهم و تحلیل عمیق در حلقه دوستان خود منتشر می‌کنیم. روزانه حجم زیادی از اطلاعات را ردوبدل می‌کنیم که نتیجه آن خبرداشتن از همه‌چیز اما به صورت سطحی است. در واقع ما به آدم‌هایی اخباری تبدیل می‌شویم که همه‌چیز می‌دانیم و هیچ نمی‌دانیم.

اطلاعات همه جا را پر کرده و جایی برای انسان باقی نگذاشته است. انسان از داشتن جهانی آشنا و مأنوس که در آن ریشه بدواند و حیات خود را بر آن استوار کند محروم شده است، زیرا جهان اطلاعات با سرعتی بی‌سابقه بزرگ شده و از او دور می‌شود. در عصری که گویی اطلاعات کافی درباره همه‌چیز موجود است و بسیاری از رازهای جهان آشکار شده‌اند، جهان از انسان دور شده و بیگانه می‌نماید. گویی اطلاعات به جای اینکه نزدیکی ایجاد کند، فاصله به‌بار آورده است.

انسان از ساختن جهانی پایدار برای آرام و قرار گرفتن درمی‌ماند. تورم و انبساط جهان اطلاعات به انقباض جهان مأنوس و در نتیجه اضطراب و بی‌خانمانی انسان می‌انجامد. شیوه رهایی از این «اضطراب اطلاعاتی» پرسشی است که هنوز زمان مناسب برای اندیشیدن به آن را پیدا نکرده‌ایم.

خبر

وضعیت آب از آنچه گفته می‌شود بسیار بدتر است

● رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با تأکید بر اینکه وضعیت آب در کشور از آنچه گفته می‌شود، بسیار بدتر است، اعلام کرد که کمتر از ۵۰ سال آینده دیگر آب تمام می‌شود. عیسی کلانتری در واکنش به برخی اظهارنظرها مبنی بر اینکه نفت تا ۴۰ سال آینده و آب تا ۵۰ سال دیگر در ایران تمام می‌شود، گفت: وضعیت آب کشور از آنچه گفته می‌شود، بسیار بدتر است. وی ادامه داد: با توجه به تغییر اقلیم و کاهش بارش‌ها مطمئنا ما با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم شد. براساس آمارها بارندگی در سال گذشته ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده و به زیر ۲۰۰ میلی‌مترمکعب رسیده است. معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به کمبود آب شدید در کشور خاطرنشان کرد: اگرچه میانگین بارش کاهش پیدا کرده و با تغییرات اقلیم مواجه هستیم، اما متأسفانه مصرف آب روزبه‌روز بیشتر می‌شود. وی تأکید کرد: من معتقدم دکتر کردوانی بسیار بسیار خوش‌بینانه درباره اتمام آب تا ۵۰ سال آینده صحبت کرده است و ما خیلی زودتر از این با بی‌آبی مواجه می‌شویم.

عدم احتکار و کم‌فروشی دارو را تضمین نمی‌کنیم

● **تسنیم:** معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو به مشکلات حوزه دارو در ایام تحریم‌های جدید آمریکا پرداخت و گفت: برای برنامه‌ریزی و پیش‌بینی برای مقابله با هر تهدید دارویی تأیید می‌کنیم که گارد جنگی گرفته‌ایم. دکتر غلامرضا اصغری اظهار کرد: باید دقت شود که در دوره جدید تخصیص ارز به هیچ عنوان به مکمل‌ها ارز چهارهزارو ۲۰۰ یا همان ارز یارانه‌ای چهارهزارو ۴۰۰ تومانی تخصیص نمی‌یابد. با وجود این، ارز یارانه‌ای به دارو و مواد اولیه اختصاص می‌یابد و مشکلی در این زمینه وجود نخواهد داشت. اصغری با تشریح مشکلات پیش‌رو در حوزه دارو عنوان کرد: نمی‌توانیم نداشتن هیچ کمبودی را تضمین کنیم زیرا مسلما در چنین مواقعی احتکار، قاچاق، کم‌فروشی و... رخ می‌دهد ولی ما نیز با این تخلفات برخورد خواهیم کرد.